



Translate Luna

Clean Luna

Type Mat



T.me/IriSekai



instagram.com/IrisSekai

تو الان منو
از دست دادی.

cold

مُحِبِّ پسر، یعنی مثلاً
تا الان خیلی ازم
اطاعت می کرد؟

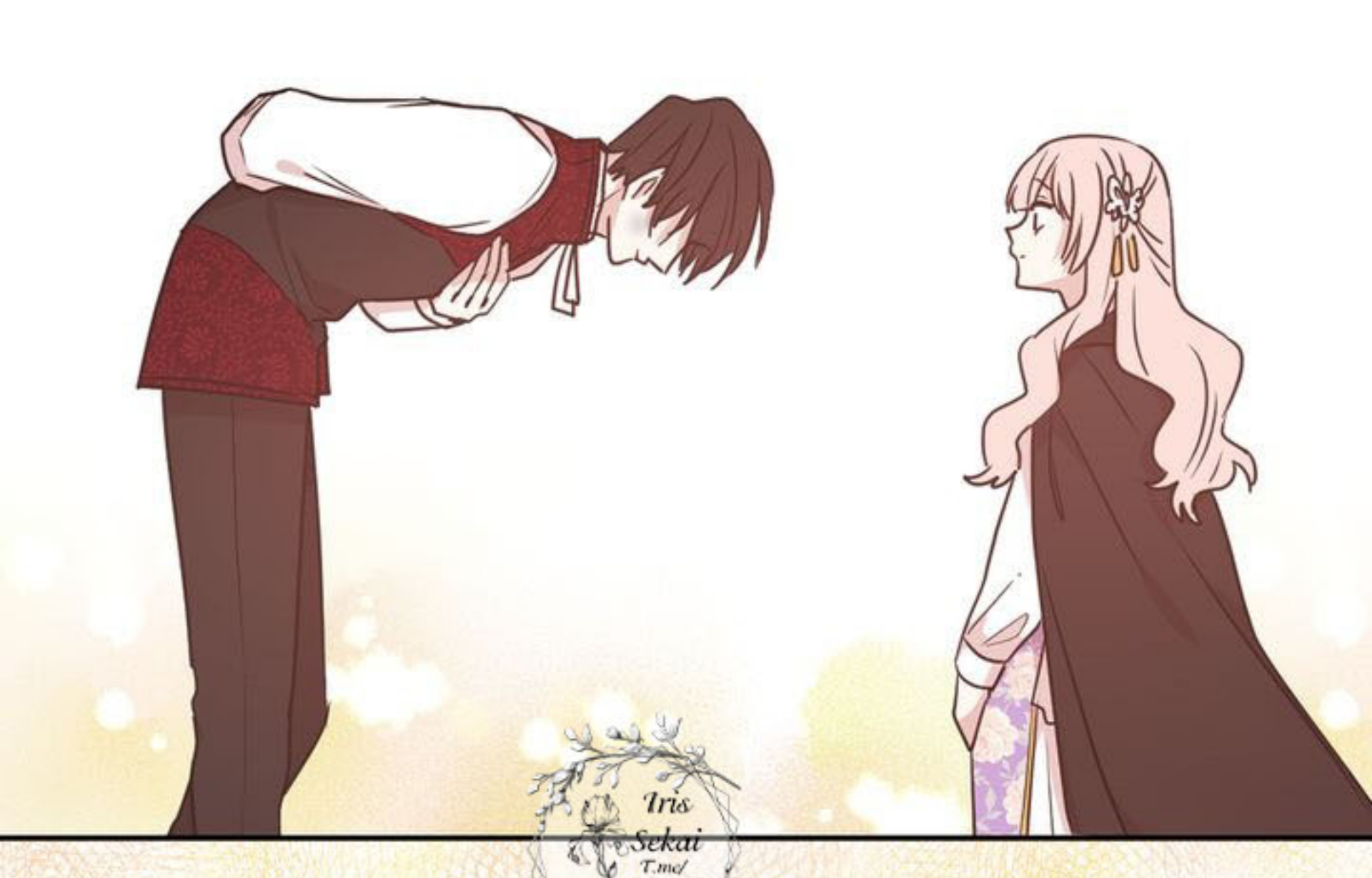
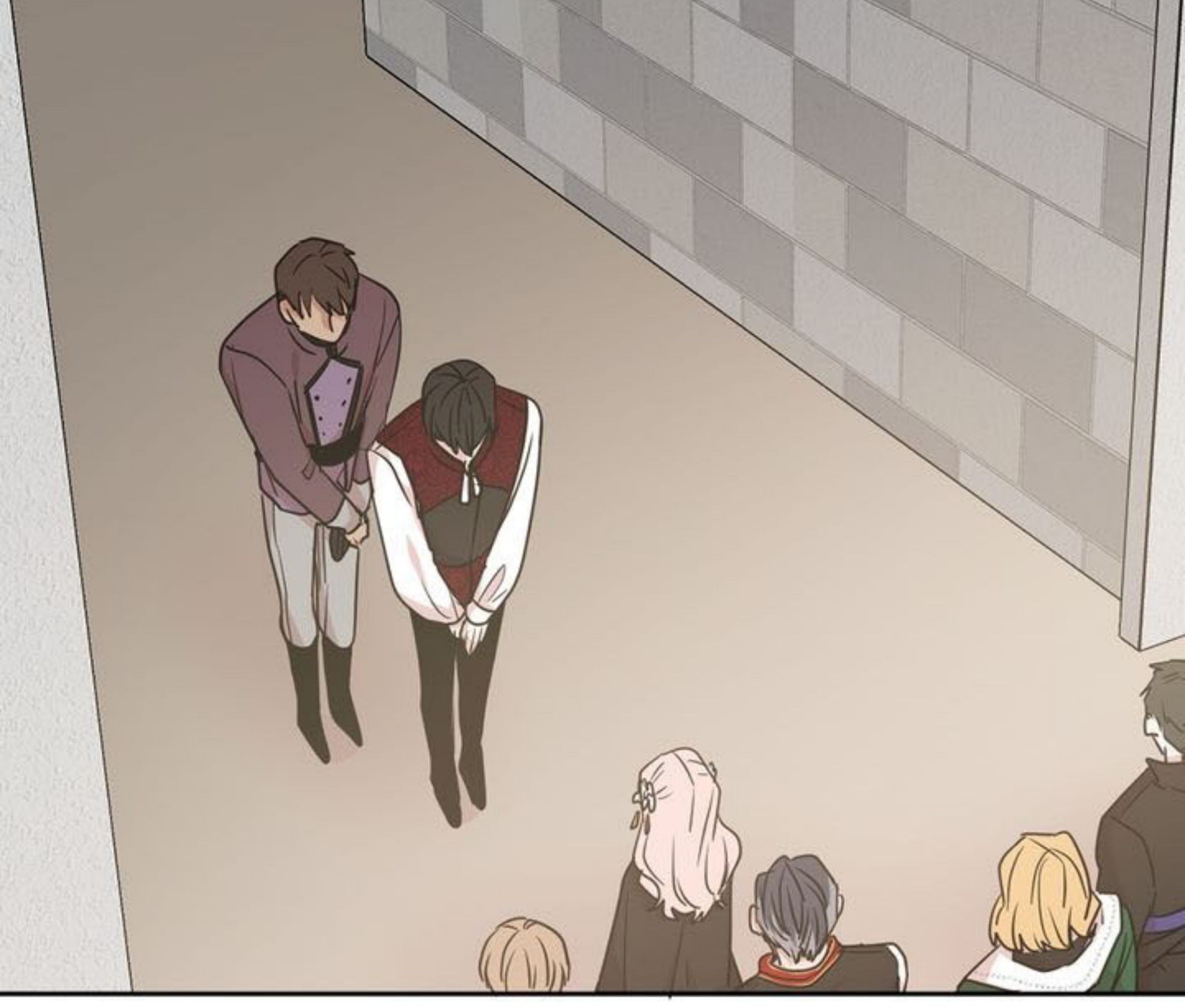
... اون همیشه یه آشغال
دماغو بوده، حتی وقتی که
بچه بودیم.

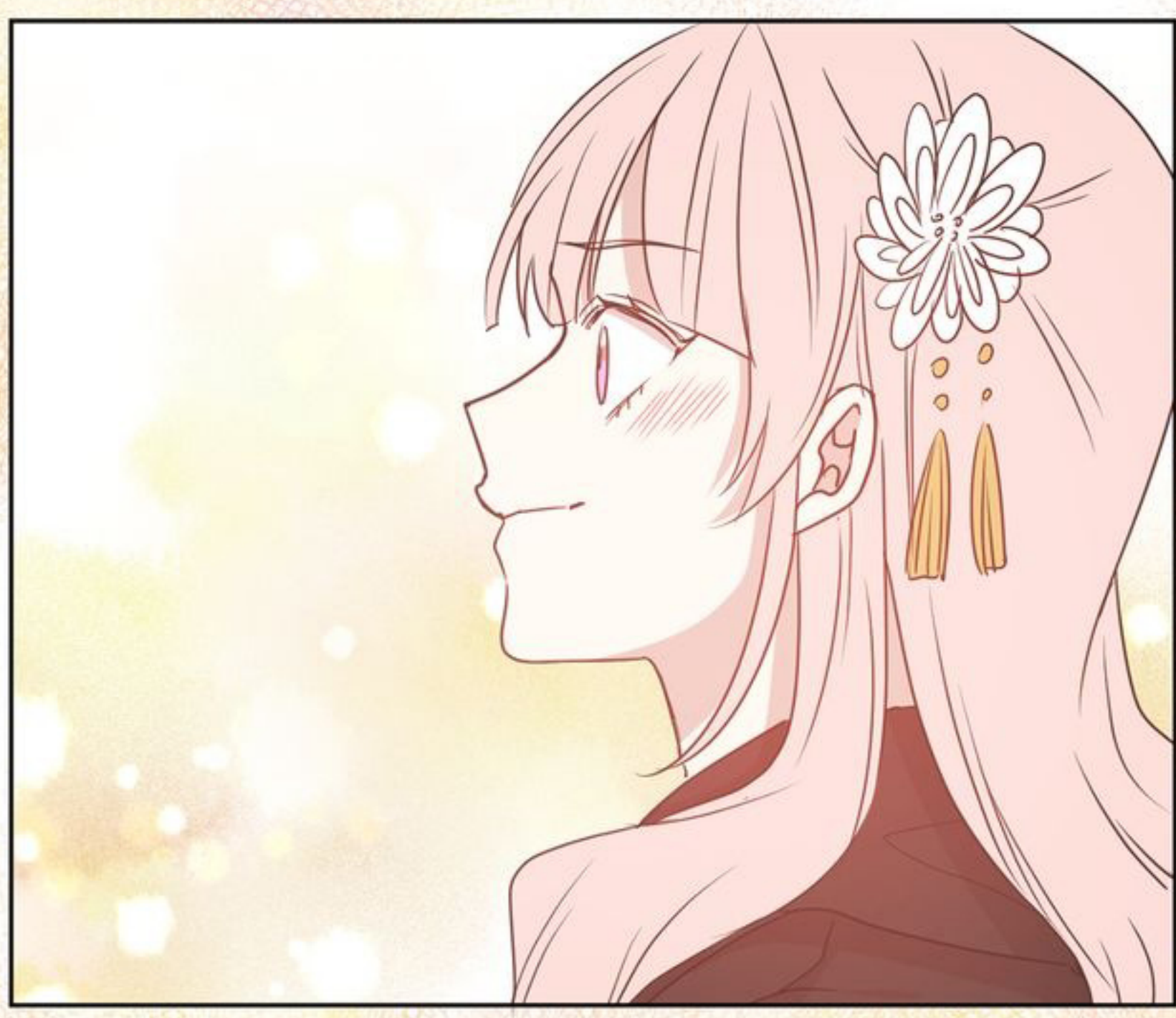
... اعلیٰ حضرت.

دوک دیهاس... چرا نسبت
به دوک دیهاس کینه
دارین...؟

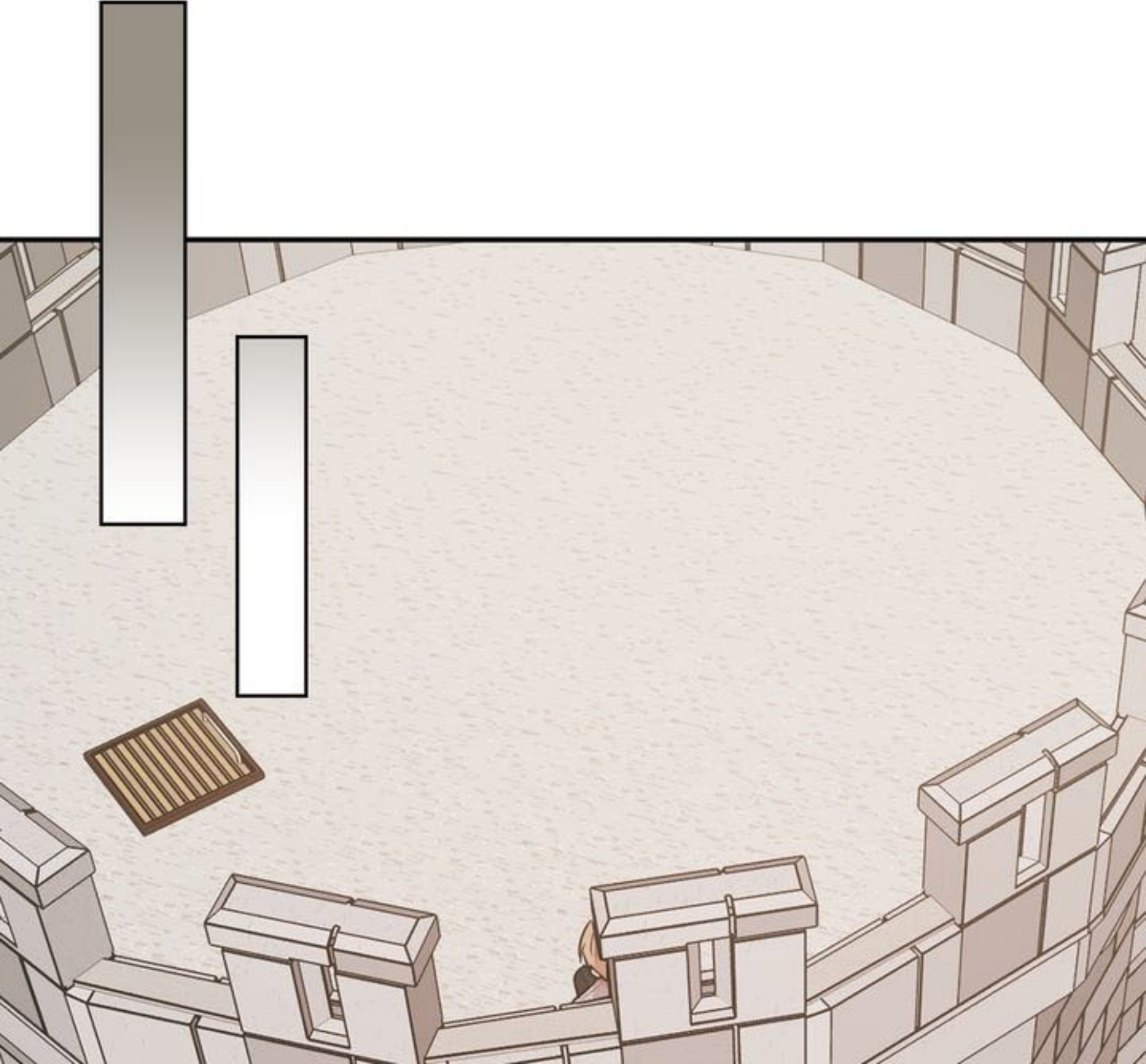
Ep 45

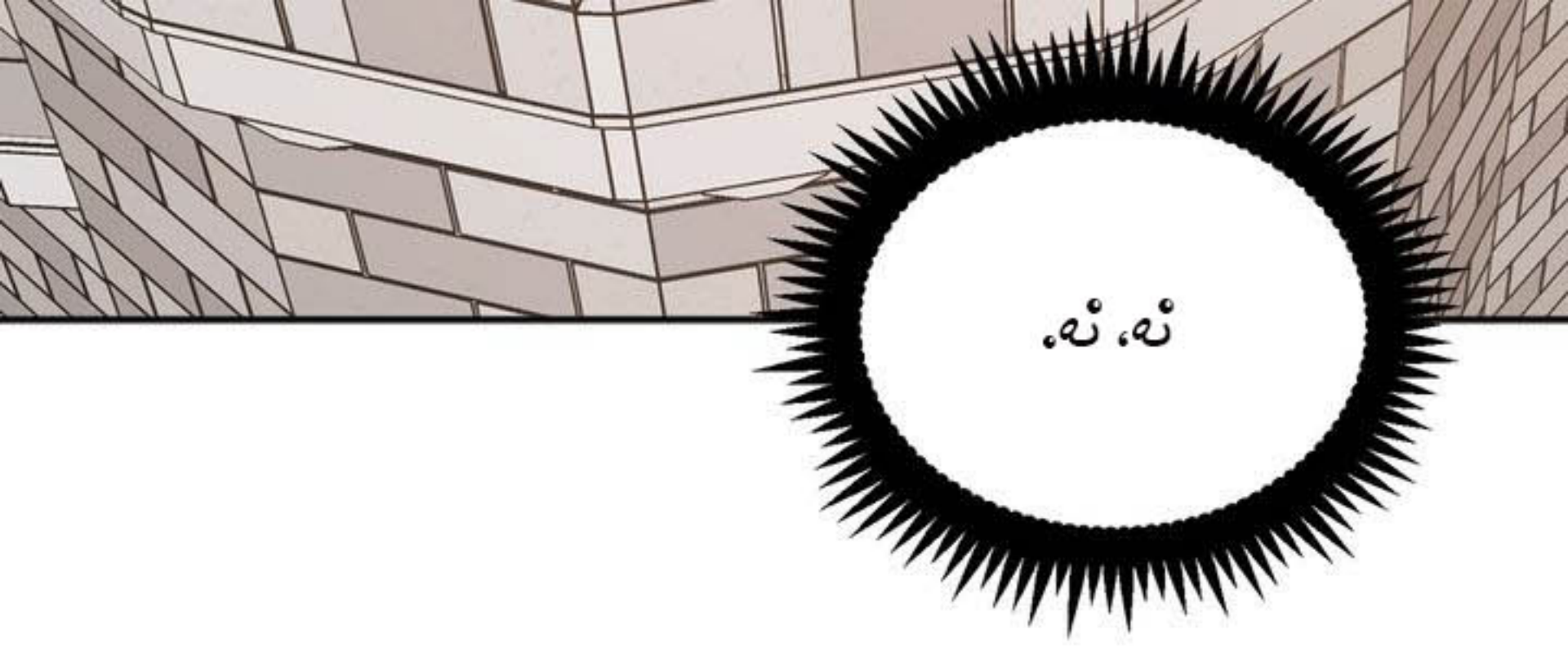












نه، نه.



badum

badum

badum



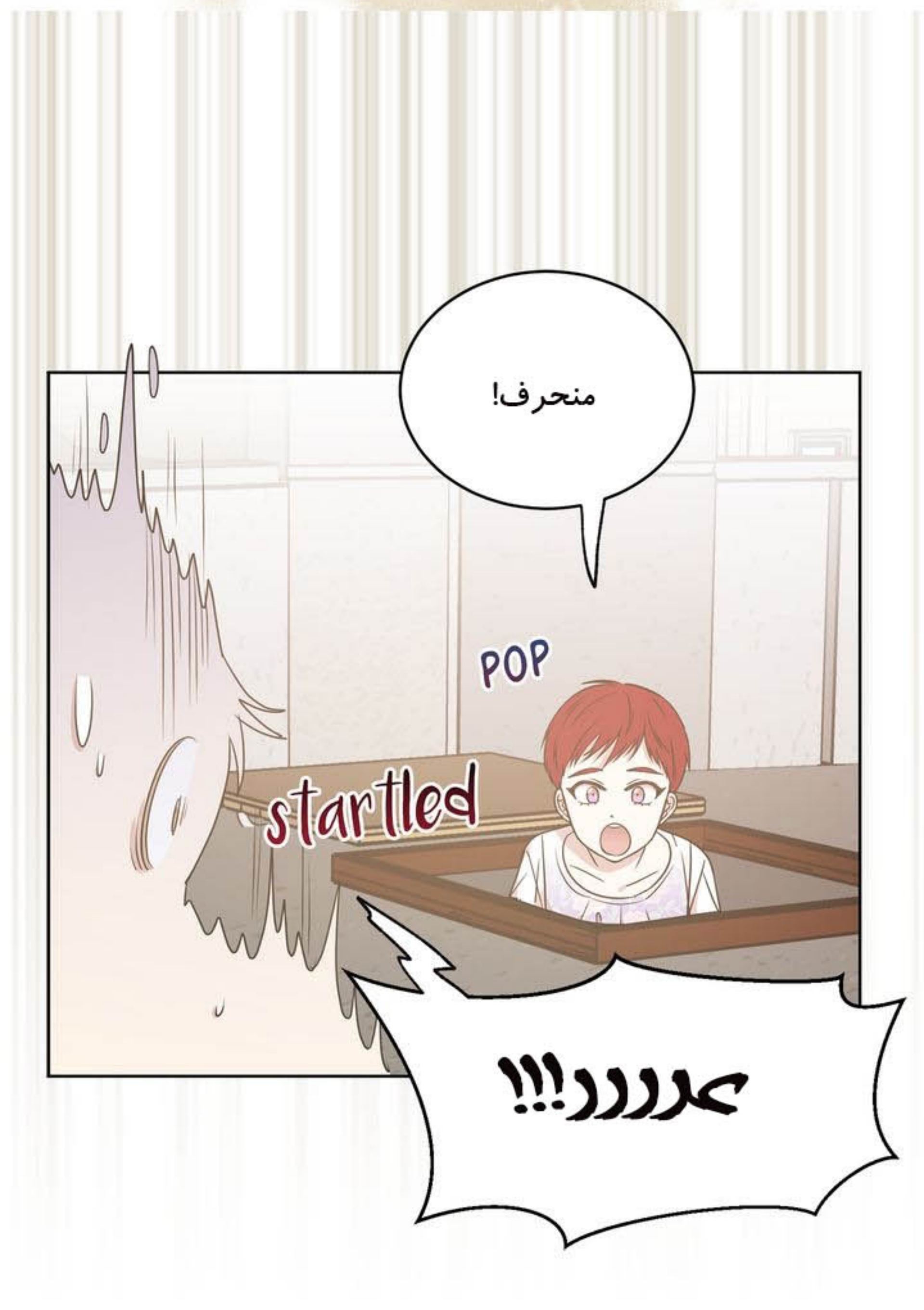
چه خبره؟



چطور وقتی که اون
مخلوقه مي توئم
اینطوری واکنش نشون
بدم؟!

چی می شه اگه یه نفر
دیده باشه؟!

clench



منحرف!

POP

startled

عزیز!!!



چته؟! چرا انقدر سورپرایز
شدی؟ داری چیزی رو قایم
می کنی؟

کار اشتباهی کردی؟

نه... نه کاری که خیلی بد
باشه مثل... یه کار شل
مغزانه...

؟

جاییت که آسیب
ندیده، هوم؟

TILT

!

نه... نه، اینطوری
نیست...

lean

هان؟ پیهویی خیلی
دختر خاله شده.



عام، ولی شما کلاه
گیستونو نپوشیدین،
بانوی من.

پس، بلاخره
فهمیدی.

تو همین الانم همه چیزو
دیدي، به هر حال.

چه سودی داره که
قایمش کنم؟



درسته، ولی بقیه
مردم... ها؟





همشون توی زمان درست
نزدیکی زمین شکار جمع شده
بودن.



برای یه شکار حساب
شده، گروهی بیرون
اومده بودن.

آه~ واقعا~؟

مخپالم راحت شد. من
کاملاً مطمئن نبودم،
ولی به هر حال زمان
پندیم درست بود.



ولی از کجا اینو
می دونستی؟

ب، ببخشید؟



خ، خب...! الان فصل شکاره، و مردان
نجیب زاده نمی تونن اون طوری که دلشون
می خواد شکار کنن~ پس من حدس زدم
اونا بیرون از زمین مشغولن...!



ولی اونا "خیلی اتفاقی" اونجا
بودن، اتفاقی همشون توی
نزدیک ترین مکان جمع شده
بودن؟

د، درسته! چه تصادف
شکفت انگیزی! کی فکر شو
می کرد همه خاندانا توی یه
مکان جمع بشن؟

هممم~



...

خب اگه نمی خوای
داستانتو برام بگی،



می خوای در عوض
مال منو بشنوی؟



... مامانم عادت داشت بهم
بگه "هیچ کاری نکن".

کار کردن مال
مرداست.

وظیفه زنایی مثل ما اینه که عقب
بشینیم و سکوت کنیم زمانی که
اداره امور خونه با ماست.

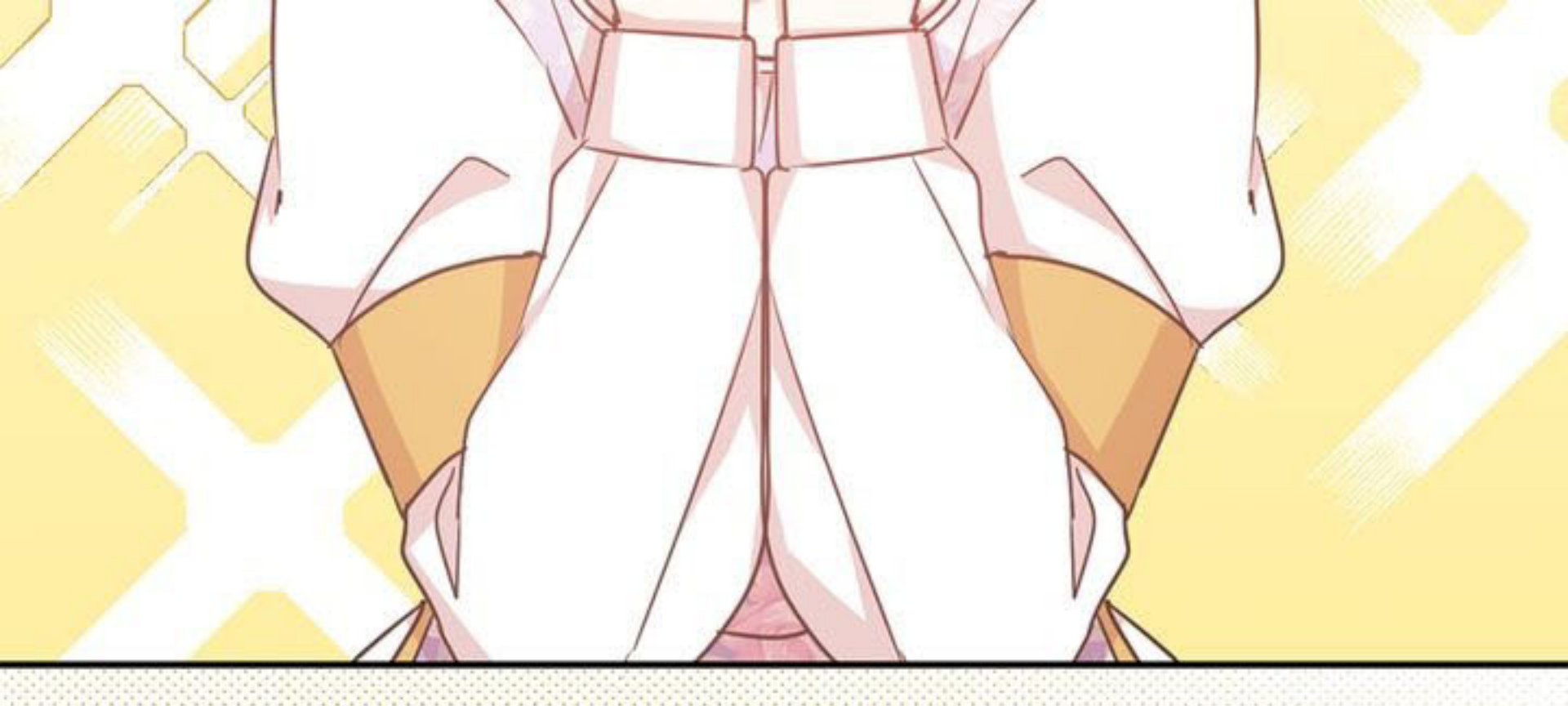
به طور خلاصه، باید تا آخر
عمرت موهاتو پنهان کنی...

... درضمن، باید حواست
به رفتارت باشه و تحت
هیچ شرایطی فضولی بیجا
نکنی. مهم نیست چی بشه.

این چیزی بود که
همیشه می گفتم...

...

ولی عجب کیفی داد!



برای اولین بار توی
زندگیم، من یه حرکتی
زدم و یه کاری رو به آخر
رسوندم!

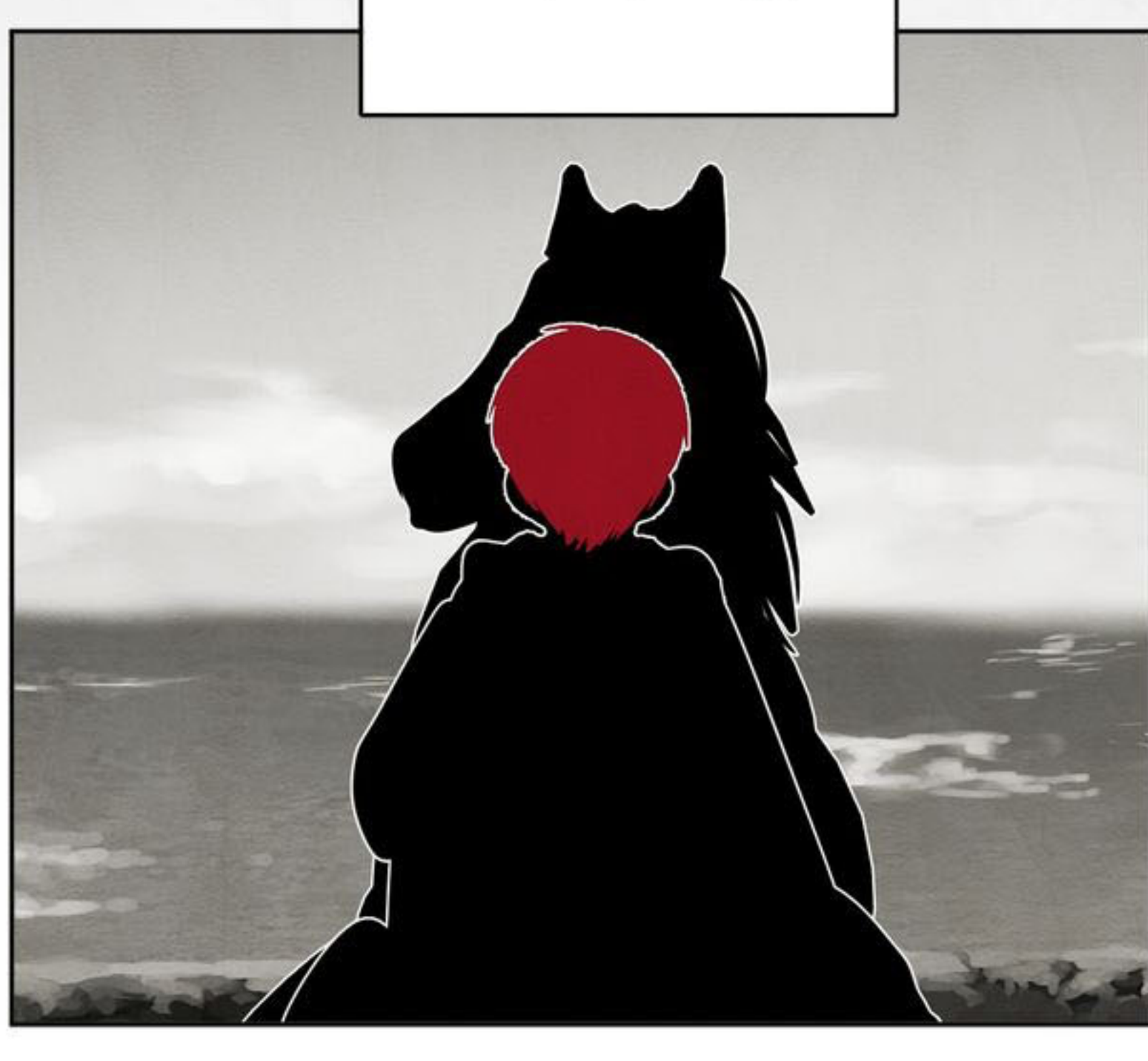


من لرد ادوارد رو
نجات دادم! من! من
نجاتش دادم!

نشستن و منتظر یه
شوالیه موندن برای نجات...



... هیچ وقت نمی‌تونه با این
تجربه مقایسه بشه.





اگه به خاطر تو نبود، کل زندگیم
رو در حالی می گذروندم که
نمی فهمیدم این می تونست
چطوری باشه...

To Be Continued



Story : KIM SUO

Art : jaradog

©DAONCOMICS



از شما برای خواندن کارمون
ممنونیم. لطفا **کپی نکنین** و بدون
ذکر منبع کار مارو جای نذارین.
شما میتونین با جوین شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنید و کارهایه
جذاب دیگمون رو هم بخونین.

@IriSekai

